

## بررسی تطبیقی دیدگاه تفسیری مفسران فریقین در ترابط نبی، رسول و امام

\* غلامحسین اعرابی  
\*\* احمد مهدیزاده

### چکیده

سه واژه «نبی»، «رسول»، «امام» و مشتقات آنها بارها در قرآن به کار رفته است. گرچه آیات قرآن در مورد رابطه بین این سه مفهوم صراحت ندارد، اما به نظر می‌رسد که با در نظر گرفتن مجموع آیات مرتبط، می‌توان به موضوعی مستدل و مستند در این زمینه دست یافت. مفسران فریقین دیدگاه‌های گوناگونی درباره این موضوع اختیار کرده‌اند. در این نوشتار، آراء چهار مفسر از اهل‌سنّت و دو مفسر از شیعه مورد بررسی قرار گرفته است. درباره رابطه بین نبی و رسول، پنج دیدگاه و درباره رابطه بین امام و دو مفهوم نبی و رسول، چهار نظر گوناگون از تفاسیر شش‌گانه فوق قابل شمارش است. پس از بررسی‌های انجام شده، در مورد رابطه میان نبی و رسول، دیدگاه علامه طباطبائی به خاطر جامع و مستدل بودن و نیز استناد حداکثری به آیات مرتبط، مورد پذیرش قرار گرفته است. گرچه رأی ایشان در مورد رابطه بین امام و دو مفهوم نبی و رسول، حاوی نکات بدیع و لطیفی است، اما دیدگاه هیچ‌یک از مفسران، بیان‌کننده تمامی حقیقتِ موردنظر قرآن تشخیص داده نشد.

### واژگان کلیدی

نبی، رسول، امام، رابطه نبی، رسول و امام، تفسیر تطبیقی.

golamhosein.arabi@gmail.com

ahmad.mehdizadeh@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۱۸

\*. دانشیار دانشگاه قم.

\*\*. دانشجوی دکتری دانشگاه قم (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۱۳

## طرح مسئله

از موضوعاتی که در قرآن کریم با بسامد بسیار مطرح گردیده موضوع‌های نبی و نبوت، رسول و رسالت است. قرآن کریم بارها از انبیا و رسول سخن گفته و ضمن بیان شرح حال آنان و اقامشان به بیان موضوع رسالت آنها پرداخته است. در قرآن تنها نام ۲۵ تن از پیامبران آمده است (جفری، ۱۳۷۶ / ۳ - ۳۷؛<sup>۱</sup> درحالی که موضوع نبوت و رسالت بخش بزرگی از آیات قرآن را به خود اختصاص می‌دهد.<sup>۲</sup> و موضوع امامت ۱۳ بار در قرآن با دو کلید واژه امام و ائمه، آمده است.<sup>۳</sup>

قرآن از برخی پیامبران مانند موسی (مریم / ۵۱)، اسماعیل (مریم / ۵۴) و محمد ﷺ (اعراف / ۱۵۷)

به عنوان نبی و رسول یاد کرده اما برخی از آنان را تنها نبی نامیده است، مانند ادریس (مریم / ۵۶) آیه ۸۱ سوره آل عمران از این خبر می‌دهد که خدا از انبیا پیمان گرفت که چنانچه پس از دریافت کتاب و حکمت از سوی او، رسولی از جانب خدا به سوی آنان آمد، باید به او ایمان آورده و او را یاری کنند. از سویی، از برخی آیات چنین برمی‌آید که گویی فعل ارسال نه تنها شامل رسولان بلکه شامل انبیا نیز می‌گردد.<sup>۴</sup> بنابراین، این گمان تقویت می‌شود که فرقی میان آن دو مقام نیست، اما از برخی دیگر آیات چنین نتیجه‌گیری می‌شود که نباید رسول و نبی را یک مقام واحد دانست و باید بین آن دو تفاوتی قائل شد.<sup>۵</sup>

از سوی دیگر قرآن گزارش می‌کند که دست کم برخی از انبیا و رسول مانند ابراهیم، اسحاق و یعقوب به امامت برگزیده شده‌اند.<sup>۶</sup> البته امامت مفهومی است که نه تنها در مورد انبیا، بلکه برای برخی کتاب‌های آسمانی (هود / ۱۷؛ احقاف / ۱۲)، بندگان شایسته خدا (فرقان / ۷۴)، مستضعفان (قصص / ۵)، جاده و مسیر (حجر / ۷۹)، و حتی پیشوایان باطل (توبه / ۱۲؛ قصص / ۴۱)، به کار رفته است. در قرآن، مفهوم رسول مانند امام، برای غیرانسان<sup>۷</sup> نیز به کار رفته است، ولی مفهوم نبی تنها برای انسان کاربرد دارد.

در اینجا این سوال مطرح است که تفاوت میان دو مقام رسول و نبی چیست؟ و چه رابطه‌ای میان این

۱. نام‌های آنان عبارتند از: آدم، ادریس، نوح، هود، صالح، ابراهیم، لوط، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، یوسف، شعیب، ایوب، ذوالکفل، موسی، هارون، داود، سلیمان، الیاس، الیسع، یونس، زکریا، یحیی، عیسیٰ و محمد ﷺ. (همان)

۲. قرآن در ۱۶۱۵ آیه به موضوع پیامبران می‌پردازد. (شفعی، ۱۳۹۲ / ۱۸: ۲۰۱)

۳. نتیجه جستجو در نرم‌افزار جامع تفاسیر نور.

۴. برای نمونه: «وَكَذَّ أَرْسَلْنَا مِنْ نَّبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ» (زخرف / ۶): «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَوْمٍ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهُمَا بِالْأَبْأَسِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَعْرَفُونَ». (اعراف / ۹۴)

۵. برای نمونه: «مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَّ مَوْتُهُ...». (حج / ۵۲)

۶. ع: «وَإِذَا ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلَمَاتٍ فَأَتَهُمْ قَالَ إِلَيْيَ جَاحِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا...» (بقره / ۱۲۴)؛ «وَجَعَلْنَا مُهُمَّةً يَهُمُّهُنَّ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْحَيَّاتِ...» (انبیاء / ۷۳)؛ «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهُدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقَنُونَ». (سجده / ۲۴)

۷. فرشتگان. (حج / ۷۵)

دو مفهوم برقرار است؟ از سوی دیگر رابطه میان مقام امامت با دو مقام نبوت و رسالت به چه نحو برقرار می‌گردد؟ آیا مفسران فریقین در این مباحث دیدگاه مشابه دارند یا میان آنها اختلاف نظر است؟ در صورت وجود اختلاف، نظر کدامیک را می‌توان نزدیکتر به واقعیت مورد اشاره قرآن ارزیابی نمود؟

### واژه‌شناسی

راغب اصفهانی واژه «نبی» را مشتق از ریشه «نبأ» (به معنای خبری) که دارای فایده‌ای بزرگ باشد و موجب حصول علم یا غلبه ظن شود) می‌داند و «نبی» را بر وزن فعلی و به معنای اسم فاعل برشمرده است؛ چراکه نبی از خدا و اخبار مربوط به او خبر می‌دهد و سفیر بین خدا و مردم است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ - ۷۸۹ / ۷۸۸) ابن‌فارس برخلاف راغب، «نبی» را از ریشه «نبو» (به معنای رفعت مقام) دانسته و بر آن است که «نبی» را به‌خاطر رفعت منزلت و برتری بر سایر مردم، «نبی» گویند. (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ / ۵ - ۳۸۵ / ۳۸۴)

راغب اصفهانی «رسول» را به معنای برانگیخته شده برای انجام کاری می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ : ۳۵۲) و ابن‌منظور «رسول» را به معنای گسیل شده برای انجام کاری دانسته است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ / ۱۱ : ۲۸۴) مصطفوی افرون بر نظرهای گذشته در مورد مفهوم ارسال، به تقسیم‌بندی انواع رسالات در قرآن پرداخته و آن را به انواع روحانی، جسمانی از انسان و حیوان و جماد، ارسال شیاطین و ارسال ملائکه بخش‌بندی کرده است. (مصطفوی، ۱۳۶۰ / ۴ - ۱۳۸ / ۴)

خلیل بن احمد فراهیدی «امام» را به پیشوای جلودار و نیز طریق معنا می‌کند (فراهیدی، ۱۴۰۹ / ۸) و (۴۲۸ / ۱) ابن‌فارس نیز دیدگاهی مشابه نظر فراهیدی ارائه کرده است. (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ / ۱ - ۴۲۹)

### طرح و نقد آراء مفسران

در این بخش، آراء مفسرانی چون فخر رازی (به نمایندگی از اشاعره و متقدمان اهل سنت)، زمخشری (به نمایندگی از معتزله)، طبرسی (به نمایندگی از متقدمان شیعه)، آلوسی و رشیدرضا (به نمایندگی از معاصران اهل سنت) و علامه طباطبایی (به نمایندگی از معاصران شیعه) طرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### یک. فخر رازی

وی در تفسیر آیه ۵۲ سوره حج<sup>۱</sup>، ضمن آنکه اقوالی را در مورد رابطه دو مفهوم رسول و نبی نقل می‌نماید، نظر خود را چنین بیان می‌کند که بین نبی و رسول رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است؛ یعنی هر رسولی نبی است؛ اما هر نبی رسول نیست (رازی، ۱۴۲۰ / ۲۳ - ۲۳۶) وی برای دیدگاه خود شواهدی می‌آورد؛ از جمله:

۱. آمدن دو واژه رسول و نبی در این آیه شاهد فرق میان آن دو است و از نوع عطف عام بر خاص است.

۱. وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا أَذَّانَّنَّ.

۲. آیه ۶ سوره زخرف «وَكَذَ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيٍّ فِي الْأُولَئِنَ» گویای این است که خدا رسولان خود را از میان کسانی که قبلًاً نبی بوده‌اند، انتخاب می‌نماید.

۳. حدیث پیامبر ﷺ که عده رسولان را ۳۱۳ نفر و عده انبیا را ۱۲۴۰۰ نفر تعیین نموده است. (همان) وی سپس به بیان تفاوت میان رسول و نبی می‌پردازد و ضمن بیان اقوال موجود، نظر خود را چنین بیان می‌کند: «کسی که فرشته به صورت ظاهر نزد او آید و او را به دعوت مردم فرمان دهد رسول است و کسی که این‌گونه نباشد و رسول بودن خود را در خواب ببیند، یا یکی از فرستادگان به او خبر دهد که فرستاده خداست، نبی است که رسول نیست». (همان)

در استدلال فخر رازی در رابطه عموم و خصوص مطلق بین نبی و رسول، نوعی دوگانگی و اضطراب دیده می‌شود. وی از سویی بر آن است که خدای متعال از میان انبیایی که رسول نبودند، رسولان خود را بر می‌گزیند (با استناد به: زخرف / ۶؛ طبق این بیان، وی مقام رسالت و نبوت را جدای از یکدیگر می‌داند و از سوی دیگر مقام نبوت را مستلزم داشتن مقام رسالت دانسته است (همان) باید گفت که چگونه ممکن است خدا کسی را به مقامی برگزیند که قبلًاً واجد آن بوده است؟!

از بیان فخر رازی در فرق میان نبی و رسول چنین بر می‌آید که او نبی را نیز به‌گونه‌ای رسول می‌داند و این برداشت او به دلیل ظاهر آیه ۵۲ سوره حج است که هم رسول و هم نبی را مُرسل خوانده است و نیز گمان او بر اینکه واژه نبی چه از ریشه «تبأ» باشد و چه از ریشه «نبو»، مستلزم حصول رسالت است (همان) بنابراین از نگاه وی واژه رسول دو معنا می‌تواند داشته باشد: یکم، به معنای مأمور و فرستاده خدا، که براساس این معنا هم نبی و هم رسول هر دو رسول - که بنا بر نظر او همان مرسل است - می‌باشند و دوم، رسول به معنای نبی که فرشته وحی را آشکارا مشاهده می‌کند، که طبق این معنا «تبی» از دایره مصاديق آن خارج می‌گردد.

بنابر این وی در فرق میان مقام نبوت و رسالت، تنها به تفاوت در چگونگی دریافت وحی قائل است و در مقام عمل تفاوتی میان این دو مقام نمی‌گذارد، درحالی که با در نظر گرفتن همه آیات قرآن در این موضوع پذیرش این نتیجه با اشکال‌هایی رو به رو خواهد شد، چنان‌که در ادامه به نمونه‌هایی در این مورد اشاره خواهد شد.

وی در تفسیر آیه ۱۲۴ سوره بقره به شرح دیدگاه خود در مورد امام می‌پردازد. او امامت را به معنای پیشوایی در دین دانسته است، از این‌رو آن را یکی از شئون نبوت می‌داند. در این جهت او به آیه ۷۳ سوره انبیا نیز استشهاد نموده که در آن برای برخی انبیا مقام امامت ثابت شده است. وی بر آن است که امام باید رسولی دارای شرع جداگانه باشد؛ زیرا در غیر این صورت پیرو نبی دیگری خواهد بود. گرچه او برای خلفاً و امام جماعت در نماز نیز مراتبی از امامت قائل است، اما از نگاه او، پیشوایی مردم در امر دین، در بالاترین مراتب از آن انبیا است. (رازی، ۱۴۲۰: ۴ / ۳۶ - ۳۵)

سوال که با پذیرش نظر او مطرح می‌گردد، این است که آیا می‌توان پذیرفت که خدا به ابراهیم

در حالی که نبی بود (و بنابر نظر فخر رازی که امامت همان نبوت است، در همان حال امام نیز بود) و عده مقامی را داد که واحد آن بود؟! مگر آنکه بگوییم که ابراهیم در آن حال هنوز به نبوت نرسیده بود. این احتمال نیز خلاف واقع به نظر می‌رسد؛ زیرا این وعده پس از گذر کردن از همه آزمایش‌ها و پس از فرزنددار شدن آن حضرت در اواخر عمر بوده است (اطباط‌ای، ۱۴۱۷ / ۲۶۷) لذا وعده رسیدن به مقام امامت زمانی به ابراهیم داده شد که او نبی بوده است و اگر مقام امامت را همان نبوت بدانیم یا آن را از لوازم قطعی نبوت فرض کنیم وعده مذکور در این آیه، تحصیل حاصل و لغو می‌نماید. بنابراین بمنظر می‌رسد که وی برای منحصر نمودن مقام امامت در نبوت و رسالت توانایی اقامه دلیل نداشته است.

## دو. جار الله زمخشری

زمخشری نیز در ذیل آیه ۵۲ سوره حج به بیان دیدگاه خود در مورد تفاوت میان رسول و نبی پرداخته است. برخلاف آنچه که فخر رازی در مورد دیدگاه معتزله بیان کرده، مبنی بر اینکه ایشان بین رسول و نبی تفاوتی قائل نیستند (رازی، ۱۴۲۰ / ۲۳۶)، زمخشری بهمثابه یک معتزلی بر این عقیده است که ذکر رسول و نبی به صورت توأمان در این آیه، دلیل آشکاری بر تغایر بین آن دو است. وی نیز به عنوان شاهدی بر این مدعای ذکر حدیث نبوی در تعیین شمار رسولان و انبیا می‌پردازد، سپس در بیان فرق بین رسول و نبی نظر خوبیش را چنین بیان می‌کند که رسول بین معجزه و کتاب جمع می‌کند اما نبی صاحب کتاب نیست و امر شده تا مردم را به شریعت پیش از خود دعوت نماید. (زمخشری، ۱۴۰۷ / ۳)

در نقد دیدگاه زمخشری درباره فرق میان نبی و رسول باید گفت که اولاً وی برای آن استدلالی ارائه ننموده است و ثانياً این نظر با ظاهر آیه ۸۱ سوره آل عمران<sup>۱</sup> ناسازگار است؛ زیرا در این آیه آمده است که خدا نه تنها به رسولان بلکه به انبیا نیز کتاب و حکمت عنایت می‌کند.

وی در ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره به طور مختصر دیدگاه خود در مورد امامت را بیان می‌کند. از دید زمخشری مقام امامت ابراهیم به این معنا است که مردم در دین خود به او اقتدا می‌کنند. بنابراین می‌توان با کمی تساهل، نظر او را همان نظر فخر رازی دانست؛ به این معنا که امامت؛ یعنی پیشوایی دینی، و آن یکی از لوازم نبوت است (زمخشری، ۱۴۰۷ / ۱۸۴) درباره این دیدگاه نقدهای وارد بـ نظر فخر رازی، بر دیدگاه او نیز وارد است.

## سه. امین‌الاسلام طبرسی

طبرسی نیز ذیل آیه ۵۲ سوره حج، ضمن بیان دو دیدگاه دیگر، دیدگاه خود را چنین بیان می‌کند که بین رسول و نبی رابطه تساوی برقرار است؛ یعنی هر رسولی نبی و هر نبی رسول است. از نظر وی این دو واژه تنها بیانگر دو شأن از یک شخص است؛ به این معنا که به پیامبران خدا نبی گفته شده به خاطر بیان رفعت

۱. وَإِذَا خَذَ اللَّهُ مِيشَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَّا آتَيْنَاهُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحَكْمَةٍ ثُمَّ جَاءُكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا أَمَّا كُمْ لَئُوْمَنَ بِهِ وَلَئَنْصُرُونَهُ.

مقامشان به دلیل رسالت‌شان و رسول گفته شده به‌منظور بیان مأموریت و رسالت الهی آنان. دلیل عمدہ‌ای که او بر مدعای خود آورده این است که خدا در قرآن، نبی خاتم ﷺ را با هر دو لفظ نبی و رسول خطاب کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۱۴۵ - ۱۴۶)

اما به نظر می‌رسد دلیل وی متناسب با این مدعای نیست؛ زیرا چنانچه کسی بپذیرد که نبی و رسول متفاوتند اما بین آنها رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد، اشکالی نیست که پیامبر اسلام یا هر رسول دیگری، هم رسول باشد و هم نبی و با هر دو لفظ مورد خطاب قرار گیرد. از سوی دیگر، ظاهر آیه ۵۲ سوره حج و آیه ۸۱ آل عمران و ذکر هر دو لفظ در این آیات، گویای تفاوت بین دو مفهوم است. دلیل دیگر بر وجود فرق میان نبی و رسول، ذکر برخی انبیا تنها با لفظ نبی و برخی دیگر با دو لفظ بهطور هم زمان، در آیات ۵۱ تا ۵۶ سوره مریم است.

در مورد مقام امامت، طبرسی نیز در ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره به بیان دیدگاه خود می‌پردازد. از نظر طبرسی لفظ امام دو کاربرد دارد: یکی بهمعنای کسی که مردم در امور خود به او اقتداری می‌کنند. و دوم کسی که عهده‌دار اداره امور سیاسی و حکومتی جامعه می‌شود. وی با این استدلال که لزوماً هر نبی از انبیا الهی به منصب امامت - بهمعنای نخست - می‌رسد و با توجه به اینکه ابراهیم در زمان صدور این وعده از سوی خدا دارای مقام نبوت بود و نیز با عنایت به اینکه عبارت «انی جاعلک للناس اماماً» خبر از امامت ابراهیم در حال یا آینده می‌دهد؛ چنین نتیجه می‌گیرد که منظور از امامت همان معنای دوم؛ یعنی رهبری و زمامداری سیاسی است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۳۸)

در نقد این نظر طبرسی باید دید که آیا ابراهیم در زمان حیات خود به منصب زمامداری جامعه‌ای از جوامع بشری رسید یا نه؟ چنین رخدادی در تاریخ و نیز در متون مقدس ادیان ابراهیمی به ثبت نرسیده است. از سوی دیگر، همانطور که در بخش واژه‌شناسی آمد، واژه امام در متون کهن بهمعنای رهبر سیاسی جامعه نیامده و به نظر می‌رسد که این معنا در قرون بعد بر این لفظ بار شده باشد. بنابراین به نظر می‌رسد که نمی‌توان عقیده طبرسی در خصوص مقام امامت و تطبیق آن بر حکومت را پذیرفت.

#### چهار. شهاب‌الدین آلوسی

آلوسی مفسر اهل سنت قرن سیزدهم در تفسیر روح المعانی ذیل آیه ۵۲ سوره حج به بیان دیدگاه خود در خصوص نقاط اشتراک و افتراق بین نبی و رسول پرداخته است؛ با نظری تقریباً مشابه زمخشri، وی معتقد است که رسول، شرع جدید یا کتاب مستقل دارد اما این نبی این‌گونه نیست و به تبلیغ شرایع و کتاب‌های آسمانی گذشته می‌پردازد. از نگاه وی نیز ذکر هر دو واژه رسول و نبی در این آیه دال بر تغایر این دو مفهوم است. وی ارسال را در آیه ملازم تبلیغ دین برشمرده و از آنجا که رسول و نبی هر دو مرسل دانسته شده‌اند، وظیفه تبلیغ متوجه هر دو مقام می‌گردد. بنابراین نتیجه می‌گیرد که تنها فرق ممکن بین این دو مقام می‌تواند وجودان یا عدم وجودان شرع جدید باشد. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۹ / ۱۶۵ - ۱۶۴)

در نقد نظر آلوسی باید گفت که وی استدلالی تام و استنادی به آیات هم‌مضمون برای اثبات دیدگاه خود ارائه نداده است و تنها به ذکر اقوال موجود و رد قول و قبول یکی اکتفا کرده است. وی به صرف اینکه تفاوت نبی و رسول نمی‌تواند در ابلاغ دین باشد، نتیجه گرفته است که پس باید فرق آن دو را در آوردن شرع جدید جستجو کرد. حال آنکه امکان وجود فرق سوم بین این دو از نظر وی مغفول مانده است. از سویی دیگر، با نظری بر آیات قرآن می‌توان دریافت که اولاً انبیا نیز بعضاً صاحب کتاب بودند (آل عمران / ۸۱؛ بقره / ۲۱۳): ثانیاً برای سیاری از رسولان در قرآن مانند لوط، یونس و شعیب، نمی‌توان شرع و کتاب مستقلی سراغ گرفت.

آلوسی نیز ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره، به ابراز دیدگاه خود درباره امامت پرداخته است. وی بر آن است که منظور از امام همان نبی است. وی در پاسخ به آن اشکال که ابراهیم<sup>علیه السلام</sup> در زمان دریافت و عده امامت واجد مقام نبوت بود پس منظور از امامت نمی‌تواند نبوت باشد، چنان پاسخ می‌دهد که اولاً نبوت ابراهیم در زمان وعده ثابت نیست؛ ثانیاً اگر بر فرض ثابت شود که ابراهیم در آن زمان نبی بوده، می‌گوییم که پس از گذر از ابتلاءات، قید «للناس» به امامت (نبوت) او اضافه شده است؛ یعنی او از آن پس برای تمامی مردم امام شد.

(آلوسی، ۱۴۱۵ / ۳۷۴ - ۳۷۳)

به نظر می‌رسد که آلوسی در پاسخ به اشکال مطرح شده توفیقی نداشته است؛ زیرا اولاً چنان که پیش‌تر آمد، این وعده در زمان سالم‌مندی ابراهیم بوده و نبوت او در آن هنگام ثابت است و ثانیاً اگر امامت را صرفاً به معنای نبوت بدانیم، قید «للناس» برای نبوت، تحصیل حاصل است؛ زیرا نبوت انبیا هیچ‌گاه منحصر به مردمان خاصی نبوده است؛ (در این زمینه ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ / ۳ / ۱۹۸) جز اینکه اقتضای جهان قدیم از منظر محدودیت ارتباطات در مقایسه با جهان جدید، حکم می‌کرده است که پیام هدایت یک نبی، از محدوده خاصی فراتر نرود. بنابراین آموزه‌های نبوت ابراهیم<sup>علیه السلام</sup> و همه انبیا، در زمان حیاتشان، به صورت طبیعی به شمار محدودی از مردم اختصاص می‌یافته است. شمار قابل توجهی از انبیا که در روایت ابوذر از رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> به آن اشاره شده است (۱۲۴۰۰ نفر) نیز می‌تواند به همین سبب باشد. روشن است که با صرف نظر از این محدودیت عارضی، نبوت انبیا ذاتاً به مردم خاصی اختصاص نداشته است. لذا نبوت ابراهیم ذاتاً قید للناس را در خود دارد و از این جهت اضافه نمودن این قید برای نبوت ابراهیم<sup>علیه السلام</sup> تحصیل حاصل است و چنانچه آن وعده را در راستای رفع موانع عرضی اشاره شده؛ یعنی محدودیت طبیعی دعوت انبیا در جهان قدیم بدانیم، لازمه‌اش این است که با اجرای این وعده، به گونه‌ای معجزه‌آسا همه مردم جهان از نبوت او و آموزه‌های آن با خبر شده باشند، که البته این امر رخ نداده است. بنابر این دلیل، نمی‌توان مانند آلوسی بر این باور بود که خدا به ابراهیم نبی<sup>علیه السلام</sup> وعده داد که او را نبی همه مردم جهان نماید.

#### پنج. محمد رشیدرضا

از نگاه این مفسر معاصر، تفاوت میان رسول و نبی آن است که رسول مأمور به تبلیغ وحی است اما نبی

مأمور به تبلیغ نیست (رشیدرضا، ب: ۲۸ / ۱) وی استدلال و استنادی بر این مدعای ارائه نکرده است و به نظر می‌رسد که مهم‌ترین مبنای او همانا معنای لغوی دوازده نبی و رسول بوده است. با نگاهی به آیات قرآن تقریباً تردیدی نمی‌ماند که همه انبیا مأمور به تبلیغ بودند (برای نمونه: بقره / ۲۱۳؛ آل عمران / ۸۱) لذا این دیدگاه نیز نمی‌تواند صحیح باشد.

رشیدرضا نیز دیدگاه خود در مورد امامت را ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره بیان کرده است. از آنجا که او وعده امامت به ابراهیم ﷺ را پس از نبوت می‌داند، به این نتیجه رسیده است که امامت در آیه مذبور به معنای رسالت است؛ به این معنا که ابراهیم نبی ﷺ پس از اتمام آزمایش‌های مذکور در آیه، به مقام رسالت رسید. و با توجه به دیدگاه او در مورد نبوت و رسالت، این به آن معنا است که پس از آن وعده، ابراهیم ﷺ مأمور به تبلیغ دین خود شد، درحالی که قبل از آن مأموریتی برای تبلیغ نداشت، اما این اشکال بر این نظر وارد است که وعده امامت به ابراهیم ﷺ پس از فرزنددار شدن او بوده است<sup>۱</sup> و این اتفاق در سالمندی او افتاد (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ / ۲۶۷)، و پیش از آن طبق گزارش قرآن او بارها به تبلیغ آموزه‌های توحید پرداخته بود (برای نمونه ر.ک: انعام / ۷۴ و ۸۱؛ انبیاء / ۵۱ – ۷۰) بنابراین اگر مانند رشیدرضا رسالت را به معنای امامت بدانیم و در عین حال آن را به مأموریت برای تبلیغ دین تفسیر کنیم، ابراهیم ﷺ پیش از وعده امامت، امام بود و این تحصیل حاصل و باطل است، بنابر این تفسیر امامت به رسالت نمی‌تواند صحیح باشد.

### شش. سید محمدحسین طباطبایی

علامه طباطبایی برخلاف مفسران گذشته در موضع متعددی به تشریح دو مفهوم نبی و رسول اقدام نموده و در این جهت به آیات بیشتری استناد کرده و از روایات رسیده از پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اهل بیت ﷺ بهره جسته است. وی در نخستین موضع از تفسیر المیزان ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره با توجه به معنای لغوی دوازده، بر آن است که رسول به معنای حامل پیام الاهی و نبی به معنای حامل خبر از سوی خدای متعال است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ / ۲؛ ۱۳۹ / ۲) وی قولی را نقل می‌نماید که طبق آن، رسول آن است که مبعوث می‌شود و مأمور به تبلیغ است و نبی آن است که مبعوث می‌گردد، خواه مأمور به تبلیغ باشد یا نباشد. سپس این قول را با استناد به آیات قرآن (مریم / ۵۱؛ حج / ۵۲) رد می‌کند (همان) و نشان می‌دهد که اولاً هر نبی فرستاده می‌شود تا مردم را به دین خدا هدایت نماید و ثانیاً بین دو مفهوم نبی و رسول رابطه عموم و خصوص مطلق وجود ندارد بلکه - چنان که بعداً به آن می‌پردازد - بین مصاديق این دو مفهوم چنین رابطه‌ای برقرار است. از نگاه ایشان، نبی و رسول هر دو به سوی مردم ارسال شده‌اند؛ با این تفاوت که نبی تنها مأمور است تا

۱. به این دلیل که وی پس از دریافت وعده امامت، آن را برای ذریه خود نیز طلب نمود. (بقره / ۱۲۴) (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ / ۱؛ ۲۶۷)

مردم را از انباء غیب با خبر سازد، اما رسول افزون بر آن، رسالت (مأموریت) ویژه‌ای دارد که مشتمل بر اتمام حجتی است که مخالفت با آن هلاک و عذاب خدا را در پی خواهد داشت (همان؛ نیز در این باره ر.ک: همو، ۱۴۱۷ / ۷۲ - ۷۱) این دیدگاه علامه با آیاتی که گویای آنند که همواره خدا بر اطاعت و فرمان پذیری مردم از رسولان (و نه عموم انبیا) تأکید داشته است، نیز تأیید می‌گردد (برای نمونه، ر.ک: نساء / ۶۴؛ شعراء / ۱۰۸؛ آل عمران / ۱۳۲)

وی در بحث روایی، به روایات واردہ در این باره می‌پردازد. ابتدا روایت ابوذر از رسول الله ﷺ را نقل نموده که در آن تعداد انبیا ۱۲۴۰۰۰ نفر و تعداد مرسل‌ها از میان آنان ۳۱۳ نفر بیان شده است. وی این روایت را از روایات مشهور بین اهل سنت و شیعه دانسته و برخی منابع شیعی آن را برمی‌شمارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ / ۲ - ۱۴۵) وی ضمن آوردن برخی از روایتها بیان خاصی در مورد آنها دارد:

در کتاب کافی درباره کلام خدا (و کان رسولًا نبیاً...) از امام باقر ع آمده است که فرمود: «نبی کسی است که در خواب می‌بیند و صدا را می‌شنود ولی فرشته را نمی‌بیند و رسول آن کس است که صدا را می‌شنود و فرشته را به چشم می‌بیند ولی در خواب نمی‌بیند». می‌گوییم: در مورد این معنا روایت‌های دیگری نیز وجود دارند و ممکن است این معنا از آیاتی مانند «فارسل الى هارون» (شعراء / ۱۳) نیز استفاده شود. مفهوم آن این نیست که معنای رسول کسی باشد که فرشته وحی به سوی او فرستاده شود بلکه مقصود آن است که نبوت و رسالت دو مقام‌اند که ویژگی یکی رؤیا و ویژگی دیگری مشاهده فرشته وحی است. گاه دو مقام در یک فرد جمع می‌شود؛ زیرا دو ویژگی در او فراهم می‌آید و گاه نبوت غیر از رسالت است، پس رسالت از لحاظ مصدق - نه مفهوم - اخص از نبوت است، آن چنان‌که حدیث گذشته از ابوذر بدان تصریح می‌کند (آنجا که می‌گوید: گفتم شمار مرسلون آز آنها چند است؟) پس روشن شد که هر رسولی نبی است و نه بر عکس. ... و چنان‌که دانستی در روایات دلالتی بر عموم‌من وجه بین رسالت و نبوت نیست، بلکه روایات بر عموم مطلق [بین این دو معنا] صراحت دارد. (همان)

بنابراین، از نگاه علامه طباطبایی اینکه در روایت فوق آمده که نبی خواب می‌بیند و صدا را می‌شنود ولی رسول در بیداری فرشته وحی را می‌بیند، به این معنا نیست که رسول را از آن جهت رسول گویند که فرشته وحی به‌سوی او فرستاده می‌شود، بلکه نبوت و رسالت دو مقام هستند که ویژگی یکی رؤیا و ویژگی دیگری مشاهده فرشته است و آنگاه که دو مقام در شخصی جمع می‌شود، هر دو ویژگی در او جمع می‌گردد. و گاهی نبوت در کسی هست اما رسالت نیست، پس رسالت در مصدق اخص از نبوت است؛ نه در مفهوم، چنان‌که حدیث ابوذر نیز به این رابطه اخص و اعم صراحت دارد. پس هر رسولی نبی نیز هست اما عکس این صادق نیست، وی روایات دیگری را نیز با این مضمون نقل می‌کند که همگی مؤید این معنا است. (ر.ک: همان؛ ۳ / ۲۲۰ - ۲۱۹)

از نظر علامه، عبارت «و رسولاً لى بنى اسرائیل» (آل عمران / ۴۹) در مورد عیسیٰ تنهای مفید آن است که مقام رسالت او ویژه آن قوم بود (مانند موسی و همه رسولان) اما مقام نبوت ایشان؛ یعنی تبلیغ دین، اختصاص به قوم خاصی نداشته است (همان: ۱۹۸) بنابراین از نگاه وی، رسولانی چون عیسی، موسی و ... همگی فرستاده ویژه خدا بهسوی اقوام خود هستند، درحالی که مقام نبوت آنها و تبلیغ آموزه‌های وحی، اختصاصی به قوم خاصی نداشته است (همان: ۱۹۹)

چنین به نظر می‌رسد که معنای ارائه شده از سوی علامه در مورد مفهوم دو واژه نبی و رسول در قرآن و وجود اشتراک و افتراق میان این دو مقام در مقایسه با آراء گذشته از جامعیت و عقل‌پذیری بیشتری برخوردار است؛ زیرا وی در تغیر موضع خود هم به معنای لغوی این دو واژه و هم به ظهور آیات قرآن و هم به روایات رسول خدا<sup>۲۷</sup> و ائمه اهل بیت<sup>۲۸</sup> نظر دارد، نیز پیوستگی و انسجام مناسبی در استدلال و استنتاج او قابل ملاحظه است (برای ملاحظه شواهد بیشتر وی از آیات و روایات، ر.ک: همان: ۲۱۹ و ۳۹۴ - ۳۹۲ / ۱۰ - ۷۱). در مورد معنای مقام امامت، ایشان توضیح مفصلی در ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره آورده که خلاصه آن چنین است:

مقام امامت غیر از نبوت و رسالت است؛ زیرا ابراهیم<sup>۲۹</sup> در اواخر عمر و پس از امتحان‌های گوناگون و پس از آنکه صاحب ذریه شده بود، به امامت رسید. برخی پیامبران که در مقام صبر و یقین پیشتابز بودند به این مقام رسیدند. (سجده / ۲۴) در قرآن امامت همیشه همراه با هدایت به امر آمده است. امر در مقابل خلق، یکی از دو وجه هر چیز است، خلق آن وجه هر چیز است که محکوم به تغیر و تدریج و انطباق بر قوانین حرکت و زمان است، اما امر در همان چیز، محکوم به این احکام نیست.

امام هدایت‌کننده‌ای است که با امری ملکوتی که در اختیار دارد هدایت می‌کند، پس امامت از نظر باطن یک نوع ولایتی است که امام در اعمال مردم دارد و هدایتش چون هدایت انبیا و رسولان و مؤمنین، صرف راهنمایی از طریق نصیحت و موعظه حسنی و بالآخره صرف نشانی دادن نیست بلکه هدایت امام، دست خلق گرفتن و بهراه حق رساندن است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱ - ۴۲۲ - ۴۰۸)

علامه برخلاف مفسران گذشته که برخی امامت را به مقام نبوت یا رسالت و برخی آن را به مقام رهبری سیاسی جامعه تفسیر کرده بودند، موضع ویژه‌ای در این معنا اتخاذ کرده و امامت را به نوعی ویژه از هدایت معنوی و باطنی تفسیر کرده است. به نظر نگارنده، داوری در مورد موضع ایشان در مقام امامت در ظرف این مقال نمی‌گنجد و جا دارد که در تحقیقی جداگانه به آن پرداخته شود.

## نتیجه

در آنچه گذشت، دیدگاه‌های شش نفر از مفسران به نمایندگی از سه جریان فکری عمده در جهان اسلام

(اشاعره، معتزله و شیعه امامیه) درباره مفاهیم رسول، نبی و امام در قرآن با استفاده از بیانات آنان ذیل برخی آیات قرآن مورد ملاحظه، بررسی و نقد قرار گرفت. خلاصه‌ای از آراء مطرح شده در جدول انتهای این نوشتار آمده است. از میان چهار مفسر اهل سنت، زمخشri و آلوسی دیدگاهی تقریباً مشابه در مورد وجود اشتراك و افتراق نبی و رسول داشتند و فخر رازی و رشیدرضا نیز دو دیدگاه دیگر را نمایندگی می‌کردند. دو مفسر شیعه نیز دارای دو نظر کاملاً متفاوت بودند که نظر علامه طباطبایی از جامعیت، انسجام و استناد بیشتری نسبت به دیگر مفسران برخوردار است.

در مورد معنای امامت و رابطه آن با نبوت و رسالت، آراء مفسران اهل سنت بسیار شبیه به یکدیگر است و همه آنان جز یک نفر بر این باورند که منظور از امامت همان نبوت است، حال آنکه رشیدرضا با اندکی تفاوت، امامت را به رسالت تفسیر کرده است. چنان‌که آمد، به نظر می‌رسد دیدگاه مفسران اهل سنت ناظر به بخشی از حقیقت است؛ یعنی انبیا و رسول همگی امام و پیشوای مردم بودند، اما آنان دلیلی بر آنکه این مقام منحصر در نبوت و رسالت بوده باشد، اقامه نکرده‌اند. طبرسی امامت را به زعامت سیاسی جامعه و علامه طباطبایی آن را به نوعی هدایت باطنی و نه تشریعی معنا کرده است. نشان داده شد که نظر طبرسی در این مورد نمی‌تواند واقع‌نما باشد و به نظر می‌رسد که داوری نسبت به رأی علامه طباطبایی درباره معنای امام، مستلزم بررسی و مدافعت مفصل‌تری است.

### دیدگاه مفسران درباره مفهوم نبی، رسول و امام در آیات قرآن

امام	رسول	نبي	
هادی مردم به امر الاهی است.	- کسی که افزون بر وظیفه نبوت، حامل رسالت ویژه‌ای است که مخالفت با آن مستلزم عذاب و هلاکت است، از این‌روحجه و آیات ویژه‌ای به همراه دارد. نوعی ویژه از هدایت باطنی.	- کسی که از غیبی که خدا به او وحی نموده با خبر است و مأمور تبلیغ آن به مردم است. - پیام وحی را در خواب می‌بیند.	طباطبایی
مقام امامت همان رسالت است.	به او وحی می‌شود اما مأمور به تبلیغ است.	به او وحی می‌شود اما مأمور به تبلیغ نیست.	رشیدرضا
امامت همان نبوت است.	- هر رسولی نبی است. - نبی است که صاحب کتاب یا شریعت مستقل شریعت مستقل است.	- هر نبی رسول نیست. - صاحب کتاب یا شریعت مستقل نیست.	آلوسی
رهبر سیاسی و زمامدار جامعه دینی	- هر رسولی نبی نیز هست. - فرستاده شده از جانب خدا	- هر نبی رسول نیز هست. - به‌واسطه ارسال دارای رفعت درجه و مقام است.	طبرسی

امام	رسول	نبی	
پیشوای دینی مردم	- هر رسولی نبی است. - نبی است که صاحب کتاب و شریعت است.	- هر نبی رسول نیست. - صاحب کتاب نیست و به شریعت قبل از خود دعوت می‌نماید.	زمخشري
امامت همان نبوت به معنای پیشوایی دینی مردم است.	- هر رسولی نبی است. - فرشته وحی را در خواب می‌بیند او را به دعوت مردم امر می‌نماید.	- هر نبی رسول نیست. - فرشته وحی را آشکارا می‌بیند یا از طریقی غیر مشاهده به او خبر می‌دهند که رسول خدا است.	فخر رازی

## منابع و مآخذ

- قرآن کریم.

- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الكتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، معجم مقاييس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامي.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- بازرگان، مهدی، ۱۳۸۶، سیر تحول قرآن، ج ۲، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- جعفری، یعقوب، ۱۳۷۶، تفسیر کوثر، ج ۳، قم، هجرت.
- رازی، فخر الدین، ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم.
- رشیدرضا، محمد، بی تا، المثار، بیروت، دار المعرفه.
- ———، بی تا، الوحد المحمدي، بیروت، دار الكتب العلمی.
- زمخشری، جار الله محمود، ۱۴۰۷ق، الكشاف عن حقائق خواص التنزيل، بیروت، دار الكتب العربي.
- شفیعی، سید روح الله، ۱۳۹۲، «نبی و رسول در کتاب مقدس و قرآن»، مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۱۸، ص ۲۳۱ - ۲۳۹.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ———، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البيان لعلوم القرآن، تهران، ناصرخسرو.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، کتاب العین، قم، هجرت.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.